

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با اصول و

عوامل تحکیم

خانواده

ناشر: بوستان کتاب قم

نویسنده: جواد محدثی

سال نشر ۱۳۸۷

فهرست مطالب ۵ فصل اول کتاب:

پیشگفتار

فصل اول : نهاد خانواده و سازندگی های ازدواج

از کشش ، تا تنش

سازندگیهای ازدواج

فصل دوم : سلامت خانواده

معیار گرایی

نجابت و دیانت

همسر نمونه

آتش اختلاف

حفظ آبرو

فصل سوم : داور خانوادگی

شعله اختلاف

نیاز به داور

مزایای داور خانوادگی

طلاق هرگز!

فصل چهارم : موازنه دخل و خرج

مداخل و مخارج

بر اساس خرد یا هوس ؟

نه اسراف ، نه بخل

الفبای زندگی هزینه های لازم

فصل پنجم : حقوق و وظایف دو جانبه

شناخت حقوق

وظایف دو جانبه

تقسیم کار

الفبای زندگی

(آشنایی با اصول و عوامل تحکیم خانواده)

نویسنده: جواد محدثی

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

کیست که نخواهد زندگی سعادتمندانه داشته باشد؟

کامیابی و سعادت، گمشده و مطلوب همگان است، لیکن اینکه کامیابی به چیست و سعادت در چیست و چگونه به دست می آید، سؤال است که ذهن بسیاری را به خود مشغول ساخته است

اگر زندگی، برخوردار از صلح و صفا، محبت و احترام، قدر شناسی و همکاری، حق شناسی و مراعات حقوق و ادب و آداب شایسته باشد، برای افراد، بهشتی دوست داشتنی پدید می آورد. اما اگر زندگیها از روح تفاهم و معرفت و وفا تهی باشد و نزاع و کشمکش و کینه و کدورت و خود خواهی و خود محوری بر آن سایه افکند، جهنمی بیش نخواهد بود، فرساینده روح و شکنجه گردان!

تا می توان زندگی را به بهشتی مطلوب تبدیل کرد، چرا زیستن در جهنمی سوزان؟ و تا می توان با همدلی و صفا و معنویت، زندگی مشترک را آراست، چرا اختلاف و درگیری و جدایی؟

در سایه زندگی مشترک زن و شوهر، فرزندان به دنیا می آیند، بزرگ می شوند و آداب اجتماعی می آموزند. روح و جان و فکر کودکان هم در همین کانون شکل می گیرد. تربیت فرزندان شایسته و با شخصیت و مفید به حال جامعه، آبرو بخش والدین و زینت بخش زندگی است بر عکس، بی توجهی به تربیت فرزند، نسلی فاسد، بی هویت و مردم آزار پدید می آورد که مایه رنج روحی و بی آبرویی پدر و مادر و عامل انحطاط جامعه می شود. باز خواست خداوند در قیامت نسبت به این سهل انگاری در تادیب هم به جای خود.

کانون خانواده، هم می تواند مهد انسان سازی باشد، هم می تواند کانون بحران گردد؛ تا رفتار و منش والدین و اهتمامشان به مسائل مهم و حیاتی زندگی چقدر باشد و با بزرگ و کوچک و افراد خانواده و فامیل چگونه برخوردی داشته باشند.

درسهای زندگی را چه زمان باید آموخت؟

بسیاری پس از سپری شدن عمر و در سن پیری، با تجربه های تلخ و شیرین یک عمر، در می یابند، که چگونه باید زیست و چگونه باید معاشرت کرد و چگونه باید فرزند تربیت کرد و تدبیر امور زندگی را بر چه پایه ای باید استوار ساخت، ولی دیگر فرصت زیستن و مجال به کار بستن تجربه ها نیست

اگر تجربه ها را در آغاز زندگی داشته باشیم، حیاتی پربارتر و سعادتمندانه تر خواهیم داشت

اصول اولیه زندگی برین چیست و الفبای حیات برتر و زندگی مشترک و معاشرت شایسته کدام است ؟ و روش مردم دوستانه و خدا پسندانه چیست ؟

آنچه در این مختصر می خوانید، چیزی جز الفبای اولیه زندگی سعادت‌مندانه نیست به یقین در متون و منابع و کتب مفصل‌تر، رهنمودهای فراوانی با الهام از مکتب وحی و تعالیم قرآن و عترت آمده است که می سزد آنها را بیاموزیم و به کار بندیم

امید است الفبای زندگی که نخست در سال ۷۹ طی ده شماره در مجله پیام زن منتشر شد، راهگشای کامیاب زیستن برای همگان ، بویژه زوجهای جوان باشد که در آغاز راهند و فراز و نشیبهای زندگی در پیش است و آشنایی با آیین بهزیستی و مردم جوشی و سلامت خانواده ، ضروری تر.

قم - جواد محدثی فروردین ۸۰

فصل اول

نهاد خانواده و سازندگی های ازدواج

نهاد خانواده انسانها، گر چه واحدهای جدا از هم اند، اما عوامل مختلفی از این آحاد، مجموعه پدید می آورد و آنان را به شکل‌های مختلفی با هم و مرتبط با یکدیگر می سازد.

خانواده ، یکی از این گونه مجموعه هاست و از مقدس ترین نهادهای اجتماعی و پیوند دهنده افراد به شمار می آید.

آنچه افراد را وادار می سازد که با هم زندگی مشترک و جمعی داشته باشند و در واقع ، زیر ساخت پدید آمدن این گونه نهادها نیاز متقابل آنان است ، چه در مسایل فکری و حل مشکلات اجتماعی خود، چه در مسایل و زمینه های اقتصادی و اشتغال و معیشت ، و چه از نظر روحی و عاطفی و غریزی

بنیان نهادن نهاد خانواده هم تامین کننده نیازهای روحی و عاطفی انسانهاست ، هم روحیه تعاون و ایثار را زنده و تقویت می کند و زمینه ساز بروز استعدادهای انسان می گردد. رمز و راز تاکید شدید اسلام بر ازدواج نیز در همین نکته نهفته است ، زیرا با این برنامه ، انسانها حیاتی فطری تر و رو به کمال تری می یابند. در بیان نورانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله ازدواج به عنوان محبوب ترین بنیاد نزد خداوند به شمار آمده است :

ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله عزوجل من التزویج^(۱)

در حدیث دیگری از آن حضرت ، ازدواج به عنوان آبادی یک خانواده ، و در مقابل آن ، طلاق به عنوان ویران شدن یک خانه با جدایی بیان گشته است در این حدیث ، رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تاکید و تشویق بر ازدواج و عهده داری زندگی و مخارج یک زن ، می فرماید: در اسلام ، هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از خانه ای که با ازدواج ، آباد می شود، نیست در مقابل ، هیچ چیز نزد پروردگار، نکوهیده تر از آن نیست که خانه ای در اسلام ، به وسیله ، ویران گردد:

ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح ، و ما من شیء ابغض الی الله عزوجل من بیت یخرب فی الاسلام بالفرقة یعنی الطلاق^(۲)

البته مهم تر از اصل این نهاد و تشکیل خانواده ، انگیزه ای است که دو انسان را در سایه ازدواج ، به هم پیوند می دهد و زندگی مشترک آغاز می شود. نهاد خانواده با آنکه مقدس و معنی بخش زندگی و آرامش بخش روح و سالم کننده اخلاق و نگهدارنده دین و تامین کننده خلاء روحی است ، اما اگر غفلت شود، یا انگیزه های ناسالم و غیر متعالی در آغاز کار وجود داشته باشد، یا توان مدیریت نسبت به این نهاد، ضعیف باشد، یا بنابر تفاهم و همدلی دو روح و دو فرد و گذشتن از برخی خودخواهیها نباشد، ممکن است این کانون یا از هم بپاشد و این بنا دچار زلزله اختلافات و تنشهای ویرانگر شود، یا پیوسته بحرانی و رنج آفرین باشد.

از کشی، تا تنش

از مظاهر رحمت و حکمت الهی، به ودیعت نهادن میل و جذبه در زن و مرد، نسبت به یکدیگر است این جذب کردن و جذب شدن، شیرازه این نهاد را مستحکم می سازد و افراد پراکنده را به صورت مجموعه در می آورد. در ازدواج نیز، شکل خاصی از این جذب و انجذاب میان دو جنس مخالف وجود دارد که در نتیجه آن، وقتی رابطه زناشویی و ازدواج پدید می آید، آن دو روح تشنه و مضطرب و ناآرام، به ثبات و سکون و آرامش می رسند. زوجیت عمومی که در همه پدیده ها وجود دارد و عامل حرکت، نشو و نما و بقا و تزايد و رشد است، در قرآن کریم نیز مورد اشاره است:

(و خلقناکم ازواجاً) (۳) ما شما را جفت جفت آفریدیم در جای دیگر به نکته آرامش و سکون و مودت میان دو همسر اشاره شده است که از نشانه های قدرت و حکمت پروردگار است:

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودهً و رحمه (۴)

از نشانه های خداست اینکه برای شما از خودتان جفتها و همسرانی آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.

هسته اولیه این کانون مودت، انس و رحمت و آرامش، زن و مرد است و آنچه این آثار را به بار می آورد، انگیزه و هدف از ازدواج است دختر و پسری که تصمیم می گیرند برای پی نهادن یک زندگی مشترک، دست در دست هم و دل در گرو عشق یکدیگر بگذارند، باید خرد ورزی، آینده نگری، حیات عقلانی، مسؤلیت پذیری، تعاون و همدلی را از یاد نبرند، که اینها عوامل قوام و استحکام بنای خانواده است

گر چه به لطف خدا، پس از ازدواج و تحقق علقه همسری، میان زوجین مودت و رحمت ایجاد می شود و دو انسان غریبه و ناآشنا، چنان به یکدیگر دلبسته و وابسته می شوند که گویا سالیان دراز، با هم بوده و زیسته اند، ولی عوامل تفرقه آور و جدائی آفرین هم بسیار است و شیطان و اخلاق شیطانی انسان، گاهی آتش افروزی می کند و آرامش را از خانه و خانواده می گیرد

و آن کشش اولیه، به تنش و رویارویی و تخاصم و تفرقه می انجامد.

اگر هشیاری، متانت و تدبیر نباشد، همین کانون محبت و گرمی، به کانون بحران و مرکز فتنه و پایگاه نزاع و کشمکش تبدیل می شود و آفات و پیامدهای آن، چه بر تداوم زندگی مشترک، چه بر انسانی بودن رابطه زوجین و چه بر اخلاق و روح فرزندان خانواده، آثار تلخ و سوء بسیاری بر جای می گذارد که به این آسانی هم زدوده نمی شود. وقتی شیطان، جای پایی برای خود در این کانون رفت و همدلی باز کرد، زوجین به جای آنکه مکمل وجود هم و سایه امن و آرام یکدیگر و پناه هم باشند، از هم تنافر و گریز پیدا می کنند. بر اساس همین حساسیت و به لحاظ زمینه های بحران در این کانون، باید به نهاد خانواده به چشمی دیگر نگریست و زندگی

مشترک را بر پایه های عقل و شرع بنا نهاد، تا این نهاد، دیرپا و مستحکم شکل بگیرد و دوام یابد و شادابی و نشاط و امید، رنگ زیبای این نهاد مقدس گردد.

زندگی، تلاشی برای رویاندن بذر وجود و شکوفاندن غنچه فطرت در مزرعه حیات است.

آرامش روح، در زندگی آمیخته به معنویت و خداجویی است.

زندگی هشیاران، اندیشه درباره سرمایه و سود ماندگار و نتیجه اخروی است، سرمایه شان امید و ایمان و سودشان آرامش روح و روان است.

زندگی غافلان به دو بخش تقسیم می شود: نیمه اول به امید نیمه دوم، نیمه دوم به حسرت نیمه اول!

آیا حیف نیست که زندگی بگذرد، بی آنکه به بلوغ انسانی برسیم؟

کسی که به سؤ الهای مهمی همچون: کیستم؟ کجایم؟ از کجا آمده ام؟ به کجا می روم؟ سرانجام چه خواهد شد؟ و نیندیشد و پاسخی روشن برای آن نیابد، نابالغ است، هر چند هفتاد سال عمر کرده باشد!

چه قدر از عمرمان پایگاه خداست؟

و چه قدر از آن چراگاه شیطان؟

سازندگیهای ازدواج

وقتی نهادی مانند خانواده قداست یافت، کمک به پی ریزی آن نیز مقدس خواهد بود، چه از سوی خود دختر و پسر باشد، که حاضر شوند دوش خود را زیر بار مسئولیت خانواده قرار دهند، چه از سوی پدر و مادر باشد، و چه از سوی بستگان، آشنایان و نیکوکارانی که به هر نحوی در شکل گیری یک زندگی مشترک و بر پایی این خیمه عفاف و ایجاد تسهیلات آن بکوشند و همکاری کنند. تائثیرات مثبت ازدواج را می توان این گونه برشمرد:

۱- آرامش: ازدواج، مایه آرامش فکری و روحی جوان و احساس شخصیت و اعتماد به نفس می شود و او را از بی عاری و بیکاری و بی برنامگی و ناامیدی می رهاند و جلوی برخی گناهان را می گیرد و موجب صیانت روحی و اخلاقی جوان می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده است:

من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الباقي^(۵)

هر کس ازدواج کند، نیمی از دین خود را نگه داشته است، پس در نیمه باقی مانده، از خداوند پروا کند و تقوا بورزد.

وقتی اصل ازدواج تا این حد مهم، کارساز، گناه سوز، مصلحت آفرین و مفسده زداست، کمک به آن نیز اهمیت می یابد و برای پدر و مادر، تلاش در این راه و فراهم کردن مقدمات و زمینه آن، یک تکلیف محسوب می شود و زدودن موانع و برطرف کردن دشواریهای ازدواج، و ترویج آسان سازی ازدواج و آسان گیری در این زمینه به عنوان یک فرهنگ عمومی، وظیفه به شمار می آید.

۲- احساس مسؤولیت : کسی که ازدواج نکرده است ، خود را آزاد حس می کند و مسؤول نمی شناسد. در نتیجه ، استعدادها و خلاقیت‌های انسانی او هم بروز نمی کند. اما با ازدواج ، بار اداره زندگی را بر دوش می کشد. این تعهد و احساس مسؤولیت ، سازنده است کلا هر نوع مسؤولیت پذیری ، انسان را به تلاش و آشکار ساختن استعداد و توانایی خویش وا می دارد.

۳- برنامه ریزی : از سوی دیگر، حسابگری ، نظم ، برنامه ریزی و به تعبیر روایات ، تقدیر معیشت لازمه به دوش کشیدن تعهد اداره یک زندگی مشترک و تاءمین همسر و فرزندان و تربیت شایسته اولاد است از آنجا که تربیت نسلی با ایمان ، مؤدب ، سالم و موفق ، برای خود انسان نیز مایه آبرو و حیثیت اجتماعی است ، این رسالت سنگین نیز به نوع دیگری تواناییهای شخص را به مرحله ظهور و بروز می رساند.

۴- حق شناسی : ازدواج ، سبب می شود که حقوق متقابل میان دو انسان پدید آید. این نوعی سازنده است ارتباط‌های خانوادگی و پیوندهای فامیلی ، دامنه این حقوق و وظایف اخلاقی و اجتماعی را گسترده تر می سازد و سامان بخش روابط انسانی می گردد.

۵- تلاش معاش : ایجاد بستر مناسب و انگیزه قوی تر برای تاءمین معاش و در آمد، از آثار مثبت دیگر ازدواج است گرچه نباید بی حساب و بدون سنجش دست به

ازدواج زد و لازم است که شرایط اقتصادی و تواناییهای مالی هم لحاظ شود، ولی وعده خداوند نیز نباید فراموش کرد که قول داده است تنگدستی را به غنا تبدیل کند و جایی برای بیم از فقر باقی نگذارد. پس ایجاد روحیه توکل و اعتماد به لطف الهی ، بعد مثبت دیگری از تشکیل خانواده است خداوند متعال ، ضمن دستور به ازدواج با دختران و جوانان شایسته و صالح و کنیزهای مناسب همسری می فرماید:

ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم^(۶)

چنانچه تنگدست و فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز و توانگر می سازد، خداوند وسعت بخش و داناست.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود:

من ترک التزویج مخافه العیلة (الفقر) فقد ساء ظنه بالله عزوجل ان الله عزوجل یقول : ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله^(۷)

کسی که از بیم فقر و تنگدستی ازدواج نکند، به خداوند بدگمان شده است ، خدایی که فرماید: اگر فقیر باشند، خدا از فضل خویش آنان را بی نیاز و غنی می سازد.

اینکه ازدواج ، مایه رونق وضع اقتصادی زندگی می شود، هم لطف و نظر الهی را می سازند که رزاق است و به تناسب نیاز معیشتی ، رزق را هم افزایش می دهد، هم تلاش تولیدی و اقتصادی و معیشتی ، رزق را هم افزایش می دهد، هم تلاش تولیدی و اقتصادی و معیشتی انسان می افزاید، چون به هر حال برای تامین زندگی باید بیشتر

کار کند. از این رو در حدیث رسول خداصلی الله علیه وآله توصیه شده که ازدواج کنید، زیرا که برای شما روزی آورتر است .

اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم^(۸)

کمک به ازدواج جوانان و تشکیل خانواده ، کمک به ساختن شدن انسانهای مسؤولیت پذیر، مدیر و صالح است و یکی از راه های عمده و موفق مبارزه با گناه در جامعه ، تسهیل ازدواج است.

این ، هم تکلیف والدین و افراد خیر و توانمند را سنگین می سازد، هم روشنگر راهی برای آنانی است که در اندیشه صلاح و سلامت قشر جوان جامعه اند، هم وظیفه خود جوانان را در این زمینه روشن می کند. با تقویت و ترویج و تسهیل این سنت نبوی ، بهتر می توان با منکرات مقابله کرد و سدی در برابر هجوم فساد فرهنگی بیگانه پدید آورد.

فصل دوم

سلامت خانواده

از نهاد خانواده و مقدس بودن تشکیل آن و کمک به برپایی این خیمه عفاف گفتیم ، و از اینکه قانون زوجیت عمومی و کشش متقابل ، به برپایی این خیمه کمک می کند و اگر تدبیر نباشد، این کشش به تنش می انجامد. ازدواج ، سازنده و رشد دهنده است و روح تعاون و احساس مسؤولیت را بر می انگیزد و وعده الهی هم به توسعه رزق برای اقدام کنندگان به ازدواج ، این سنت نبوی است.

معیار گرایی

چنین نیست که هر کس ازدواج کرد، سعادتمند شود. چنین هم نیست که هر کس همسری برگزیند، می تواند او را به سعادت و خوشبختی برساند. دلیل آن هم وجود آتشیهای اختلاف و زبانه های کینه و کدورت در خانواده های بسیاری است که گاهی هم پایشان به شکایت و دادگاه و پرونده و کشیده می شود.

مهمتر از تشکیل خانواده ، داشتن خانواده ای سالم ، استوار، پاک و عاطفی و داشتن همسری همدل و همزبان و همراه و همدرد است خانواده هایی که پس از تشکیل ، خیلی زود از هم می پاشد و طوفان اختلاف ، ریشه آن را لرزانده و سقف آن را فرو می ریزد، یا از همان آغاز، میان زن و شوهر و اقوام و بستگان دو طرف ، مساله بوده است ، یا در اثر لجاجتها، خودخواهیها، نبودن روحیه گذشت و ایثار و نادیده گرفتن خطاهای کوچک و ضعفهای ناچیز، مسایلی بروز می کند و رفته رفته بزرگ می شود و مشکلات ، عرصه را بر زندگی تنگ می سازد. اگر از آغاز، بنای ازدواج ، سالم نهاده شده باشد، این گونه بحرانها یا هرگز یا دیر به سراغ خانه می آید.

هسته اولیه یک خانواده سالم و مطلوب ، از همان آغاز ازدواج ، از هنگام خواستگاری و وصلت با خانواده دیگر شکل می گیرد و ریشه آن ، شناختن و داشتن معیارهای مکتبی در انتخاب همسر است.

همسر ایده آل کیست ؟ خصوصیات یک زن یا شوهر خوب کدام است و با کدام معیار باید سراغ انتخاب شریک رفت ، یا به درخواست یک خواستگار برای ازدواج ، آری گفت ؟ و این آری گفتن ، که گاهی بلکه اغلب ، یک زندگی مادام العمر را بر دوش انسان می گذارد، باید با در نظر گرفته چه ویژگیهایی باشد؟

نجابت و دیانت

وصلت با خانواده هایی که نجیب و شریفند، پسندیده تر است تدین و تقوا، ملاک دیگری در همسر گزینی است ارزش و اعتبار یک مسلمان در دیدگاه مکتب ، به دین اوست پس ملاک قرار دادن دینداری در ازدواج ، نشانه اصول گرایی و مکتبی اندیشیدن و مکتبی عمل کردن است.

اگر کسی مسلمان و مومن است و در ازدواج ، دنبال همتا، هم شان و کفو می گردد، لابد می داند که مسلمانی و ایمان ، رمز و نشانه آن همتایی است و مومن ، کفو مومن است و زنان پاک و عفیف ، لایق مردان با تقوا و پاکند و **الطیبات للطیبین**^(۹) و در آیات قرآن ، ازدواج با مشرک و کافر نهی شده است ، چرا که همتای مومن نیست

(۱۰)

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

الكفو ان يكون عفيفا و عنده يسار^(۱۱)

کفو و همتا در همسری آن است که پاکدامن و توانگر باشد (تا بتواند خرج زندگی را تأمین کند). پس معیار در آری گفتن به همسر آینده یا خواستگاری کردن از یک دختر، آن است که هم عفاف داشته باشد، هم قدرت مالی در برخی احادیث، دین و امانت مطرح شده است، در روایتی دین و اخلاق معیار قرار گرفته است و بی اعتنائی به این معیارها فساد آفرین دانسته شده است

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

اذا جاء کم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه و ان لا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر^(۱۲)

هر گاه کسی سراغ شما آمد که اخلاق و دیانت او را می‌پسندید، پس با او ازدواج کنید و گرنه در زمین فتنه خواهد شد و فساد بزرگ پدید خواهد آمد.

گر چه زیبایی و جمال را به عنوان یک معیار و ارزش می‌توان حساب کرد، اما در صورتی که با تقوا، عفاف و پاکی در تعارض قرار نگیرد. کسی که در ازدواج، تنها به زیبایی، یا ثروت یا شهرت توجه کند و از اصالت خانوادگی و تربیت و اخلاق پدر و مادر و عفاف دختر غافل شود، چه تضمینی وجود دارد که خانواده‌های محکم، استوار و پا برجا پدید آید و این کانون، پایگاه صفا و محبت شود؟!

سنت‌های دینی و ملی را نباید نادیده گرفت فرهنگ خودی ما به اصول خوبی آمیخته و بر آنها استوار است، اگر آن را در مقابل فرهنگ بیگانه، به دیده حقارت ننگریم و کنار نگذاریم در یک خانواده، هر چه نجابت و اصالت و حیا و عفت بیشتر باشد و هر چه معیارهای مکتبی بیشتر حاکم و سرنوشت ساز و تاثیر گذار باشد، نظام و انسجام و قوام آن خانواده نیز، مستحکم تر و بادوام تر خواهد بود.

سستی بنیان خانواده‌ها را بیشتر در میان کسانی می‌توان دید که به اصول مکتبی و ارزشهای فرهنگ خودی بی‌اعتنا و از آنها بیگانه یا گریزان اند.

همسر نمونه

برای خیلی‌ها این سؤال است که همسر نمونه کیست؟ زن یا شوهر ایده‌آل و مطلوب، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ از سؤالات اساسی در گزینش همسر است نه تنها در گام نخست و آغاز کار، حتی در مورد کسانی هم که ازدواج کرده‌اند و مدتی از پی‌نهادن این بنا و بر پا ساختن این خیمه گذشته و صاحب فرزند نیز شده‌اند، آشنایی با این شاخص‌ها و معیارها، مناسب و مفید است، زیرا با عینیت بخشیدن به آنها در زندگی مشترک، می‌توانند به سلامت و استحکام بنیان خانواده خویش، کمک کنند.

پیش از آنکه به خصوصیات مثبت و ارزشی همسر اشاره شود، بد نیست که با چهره منفی و نکوهیده همسر ناشایست هم آشنا شویم و خانواده‌های مساله‌دار را بشناسیم در این زمینه روایات بسیار است و در این احادیث

، از ازدواج با فاسق ، بد اخلاق ، شراب خوار، عقیم ، احمق و سفیه ، مجنون ، و دختری که در خانواده بد رشد و نمو یافته است ، نهی شده است ، از جمله این حدیث مشهور است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: از ازدواج با خضراء دمن بهره‌یزید. پرسیدند: یا رسول الله ، مقصود از خضراء دمن (سبز روییده در مزبله) چیست ؟ فرمود: **المرأء الحسناء فی منبت السوء.**^(۱۳) یعنی زن زیبا رویی که در خانواده ای پست و فرومایه ، به بار آمده باشد.

همچنین از زنان نازا، آلوده ، لجباز، نافرمان ، حقیر و پست در نظر فامیل خود، سرکش در برابر شوهر، رام و تسلیم در مقابل دیگران ، ناموافق با شوهر، کینه توز، فخر فروش ، بی پروا از کار زشت ، و در روایات نکوهش شده و از این گونه زنان به عنوان شرار النساء یاد شده است.

در مقابل ، به ازدواج با دوشیزگان ، زیبا رویان ، فرزند آوران ، عفیفان و نجیبان ، صاحبان اخلاق نیکو، دیندار و امین ، فرمانبرداران از شوهر و حافظان مال و آبروی همسر و تشویق و ستایش شده است

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت است : از جمله عواملی که موجب صلاح و اصلاح مرد مسلمان می شوند آن است که همسری داشته باشد که هر گاه به او بنگرد، خوشحال و مسرور شود و اگر از زنش غایب باشد، حافظ و نگهبان آبرو و حرمت شوهر باشد و اگر به او دستوری داد، اطاعت کند.^(۱۴)

و در روایت دیگر چنین است : هیچ مرد مسلمانی پس از اسلام ، بهره ای بیشتر از این نبرده است که همسری مسلمان داشته باشد که اگر به او بنگرد، شادمان شود و اگر فرمانش دهد اطاعت کند و هر گاه از همسرش غایب باشد، وی نسبت به خودش و مال شوهرش ، نگهبان و امین باشد.^(۱۵)

و رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: **من سعادة المرأة الزوجة الصالحة؛**^(۱۶)

همسر صالح و شایسته ، از جمله عوامل خوشبختی مرد است.

رهنمود این احادیث ، عبارت از این است که از معیارهای همسر خوب ، حفظ عفاف ، مراعات حقوق همسر و صیانت از مال و آبرو است همین عوامل و مراعات این نکات ، از سوی دیگر به قوام و استحکام بنیاد خانواده کمک می کند. روابط مناسب عاطفی زن و شوهر با یکدیگر و آن دو با فرزندان و بستگان و حفظ حقوق آنان و مراعات وظایف متقابل ، عامل دیگری برای سلامت خانواده است.

آتش اختلاف

به کار بستن معیارهای مکتب ، به انس و الفت خانواده می انجامد و بی توجهی به آنها عامل بروز تنش و اختلاف در خانواده است سعدی گفته است : **قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.**^(۱۷) و چه مصیبتی سخت تر و تلخ تر از بروز اختلاف در یک خانه و خانواده ؟

صفای زندگی ، نعمت بزرگی است که برخورداران از آن باید پیوسته شکر گذار آن باشند و قدر و قیمت خانه بی اختلاف و نزاع را بدانند. چنین محیطهای گرمی ، بهشتی دنیوی برای فرزندان نیز خواهد بود و طعم شیرین زندگی را به آنان خواهد چشاند.

البته گاهی برخی بگو مگوها در حد بیان دیدگاهها و انتقال سلیقه ها به طرف مقابل لازم است ، تا دو همسر که شریک زندگی یکدیگرند، از نظرات ، خواسته ها، توقعات و کاستیها و حتی انتقادهای و عیوب خویش آگاه شوند و عقده ای در دل نماند و انتقاد حضوری به غیبت و بدگویی پشت سر نینجامد. اما تا حدی که صمیمیت زندگی مشترک و آرامش کانون خانه را بر هم نزنند و برای خود زوجین ، کینه نیافرینند و کودکان را هم که شاهد این گونه مشاجرات یا بحثهای درون خانگی می شوند، به نگرانی و اضطراب و آشفتگی فکری و روحی نکشاند.

اگر زوجین ، اهل منطق باشند و حرفهای خود را مستدل و در فضایی دور از تعصب و لجابت و پرخاش برای هم بگویند و موضوعاتی را که سبب بروز ناسازگاری شده و بحران آفریده است ، ریز و مشخص کنند و برای حل آن همفکری جدی داشته باشند، مطمئناً هیچ خطری خانواده را تهدید نمی کند.

بسیاری از اختلافها، ریشه در سوء تفاهم و بد فهمی از حرف و عمل طرف مقابل دارد. گفتگوی منصفانه می تواند آشتی آور باشد. نحوه برخورد با یک مشاجره خانوادگی ، هم می تواند آمیخته به صحبتی منطقی و معقول باشد و آن مسایل را روشن سازد و گره ها را بگشاید، هم می تواند آن را به یک بحران و مشکله لاینحل تبدیل سازد. اینکه گفته اند: گرهی را که با دست باز می شود، با دندان باز نمی کنند اشاره به همین گونه راه حلهای صحیح و منطقی برای معضلات خانوادگی و رفتاری و ارتباطی هم می تواند باشد.

گفتگوها و نزاعهای لطفی ، آسمان خانه و خانواده را ابری و بغض آلود می کند. نباید گذشت این وضعیت ادامه یابد و ریشه بدواند. حرفهای پشت سر و پیش این و آن ، اوضاع را بحرانی تر می سازد و پرنده آشتی را از بام و در آن خانه دورتر می کند. تا می توان در خانه به درمان پرداخت ، چرا باید به بیرون کشیده شود؟ و تا می توان خود به خاموش کردن شعله اقدام کرد، چرا باید دامنه شعله را گسترده تر ساخت ؟

صحبت رویاروی و بی واسطه ، خیلی کارسازتر از آن است که پای بیگانگان و حتی اقوام نزدیک که اغلب ، کاری هم از آنان در رفع اختلاف ساخته نیست ، به میان کشیده شود. زیرا خطر رسوایی و بی آبرویی و عمیق تر شدن اختلاف ، بیشتر می شود.

اگر قرآن کریم ، فرمان می دهد که خود و خانواده خود را از آتش حفظ کنید: **(قوا انفسکم و اهلیکم ناراً)** ^(۱۸) هم حفاظت از آتش دوزخ به وسیله پرهیز از مفاسد و گناهان است ، هم اگر بروز اختلاف در یک خانواده را شعله ای هستی سوز بدانیم - که هست - باید با رفتار سنجیده و صحیح ، خود و خانواده را از سوختن در این آتش نیز ننگ داشت

نعمت خانواده بی اختلاف را قدر بدانیم و اگر این شعله در بساط و کانون زندگی ما در افتاده است ، هر چه سریعتر آن را با تدبیر و حکمت ، با تصحیح رفتار، با گفتگوی منطقی ، با ریشه یابی و درمان فوری ، خاموش کنیم ، پیش از آنکه ما و فرزندانمان را خاکستر نشین کند.

راستی که همسر صالح ، نجیب ، با تقوا و عفاف ، هدیه ای از سوی خداوند است و خوشا آنان که از این موهبت برخوردارند.

حفظ آبرو

هیچ چیز همچون تهمت ، شکننده نیست و گوهر آبرو را نمی شکند.

چه تهمتی که از بیگانه زده شود، یا از سوی خودی !

گاهی ریشه نسبت‌های تهمت آمیز، به غرض ورزی و دشمنی بر می گردد، گاهی به سوء تفاهم یا بد گمانی ، یا خبر چینی

البته رفتار یک انسان هم گاهی زمینه ساز یک نسبت ناروا می گردد و سبب می شود که تهمت به یک فرد بچسبد!

کسی که از موارد تهمت پرهیز نمی کند، اگر در ذهنیت کسی گمان بد نسبت به او پیش آید، هم انسان بد گمان مسؤ ول است ، هم کسی که از مواضع تهمت اجتناب نمی کند.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام است که فرمود:

اتقوا مواضع الريب و لا يقفن اءحدکم مع امه فی الطريق ، فانه ليس کل احد يعرفها^(۱۹) ؛

از موارد و مواضع شبهه انگیز و تهمت زا بر حذر باشید، کسی از شما با مادرش در گذرگاهی نایستد، چرا که همه او را نمی شناسند و نمی دانند که او مادر شماست.

پیام این حدیث ، پرهیز از جاهای شبهه ناکی است که می تواند بستر مناسبی برای یک سوء ظن و تهمت زدن گردد.

این از یک سوء. از سوی دیگر، دیگران نیز موظف اند که به این راحتی آنچه را که بر ذهنشان خطور می کند، یقینی نپندارند و گمانهای بی دلیل را مبنای قضاوت و نسبت درباره دیگران قرار ندهند.

نسبت ناروا به همسر، گاهی بنیان خانواده ای را متلاشی می سازد. این افزون بر آثار و عواقب اخروی این گونه نسبت‌هاست

در حدیث است: **لا تقذفوا نساءکم ، فان فی قذفهن ندامه طویلہ و عقوبه شدیدہ^(۲۰) به زنان خود نسبت ناروا و آلوده دامنی ندهید، چرا که پیامد این گونه نسبت‌ها و تهمتها ندامت طولانی و عقوبت شدید است.**

وقتی بی گناهی طرف ، روشن شد، چه بر جای می ماند جز ندامت ؟

و آن گاه که معلوم شد نسبت داده شده ، یک تهمت بوده و واقعیتی نداشته است ، چه فرجامی در انتظار تهمت زننده است ، جز کیفر دنیوی و عقوبت اخروی ؟

تهمت و قذف ، از بزرگترین گناهان است

به راحتی نمی توان این و آن را متهم ساخت و با آبروی این و آن بازی کرد.

تهمت ، از بزرگترین گناهان زبان است. و آبرو هم وقتی که ریخت ، باز نمی گردد!..

فصل سوم

داور

خانوادگی

از خانواده به عنوان نهادی مقدس یاد کردیم و از سازندگیهای آن گفتیم و معیار گرایی را در انتخاب همسر، به عنوان عامل ثبات و سلامت خانواده دانستیم و لحاظ کردن دیانت و نجابت را در ازدواج، یک ارزش شمردیم از ویژگیهای همسر نمونه هم بحث شد. منطقی بودن هم به عنوان عامل جلوگیری از اختلافها و حل اختلافها دانسته شد. اینک به روشهای شایسته حل اختلافهای خانوادگی می پردازیم :

شعله اختلاف

خیلی اوقات یک جرقه، خانه ای، خرمی و کارخانه ای را به آتش می کشد و نابود می سازد. اختلاف، جرقه ای است که گاهی در کانون یک خانواده می افتد و آن را تا مرز سوختن و خاکستر شدن پیش می برد.

باید از پیدایش این جرقه، که به شعله خانمان سوز تبدیل می شود، جلوگیری کرد و ریشه آن را در رفتار هر یک از دو شریک زندگی شناخت و خشکاند. اگر هم این آتش برافروخته شد، پیش از گسترش دامنه آن، باید در اولین فرصت آن را فرو نشاند و از در افتادن آن در همه ارکان زندگی جلوگیری کرد.

اگر از دست خود زوجین کاری ساخته نیست، ضرورتا باید از بیرون کمک گرفت مثل آتش نشانی که هنگام اشتغال یک خانه و ناتوانی افراد خانه برای فرو نشاندن آتش، به امداد خانواده می آید و نجات می دهد و شعله ها را خاموش می کند.

طرفین اختلاف، اغلب هر کدام می کوشند تا حق را به جانب خود بدانند و مشکل و علت اختلاف را به گردن دیگری بیندازد. از این رو تفاهم و صلح و سازش به دست نمی آید و و نفسانیات و خودخواهیهای انسان مانع از اعتراف به حق به سود طرف مقابل می شود.

نیاز به داور

در صورت عدم تفاهم، برای حل اختلافها گاهی نیاز به داور است، دآوری بی طرف، دلسوز، عاقل، باتجربه و بی غرض دآوری که هر دو طرف، برای او احترام قایل باشند و حرف و صلاح دید او را بپذیرند و به دآوری او رضایت دهند. دآوری که مورد رضایت طرفین باشد و به تعبیر فقهی: قاضی تحکیم

اصل این کار، بسیار پسندیده است و اگر کسی بتواند نقش داور مصلح را ایفا کند، بزرگترین پاداش الهی را نصیب خویش ساخته است، چون که در تعالیم اسلامی یکی از با ثوابترین و شایسته ترین کارهای خداپسند، اصلاح و آشتی دادن میان افرادی است که دچار فتنه و کدورت و قهر و دشمنی شده اند اصلاح ذات البین در آیات قرآنی هم آمده است و خداوند، مکرر به ایجاد آشتی و اصلاح میان مردم فرمان داده است^(۲۱) **امام صادق علیه السلام فرمود: صدقه یحبها الله، اصلاح بین الناس اذا تفسدوا و تقارب بینهم اذا تباعدوا**^(۲۲)

صدقه ای که خداوند دوست می دارد، آشتی دادن میان مردم است، آنگاه که گرفتار تباهی شوند و نزدیک ساختن آنان به یکدیگر، آنگاه که از هم دور شوند.

حتی دروغ مصلحت آمیز برای حل اختلاف و ایجاد تفاهم و دوستی ، مجاز شمرده شده است از این رو، آنکه مسؤ ولیت اصلاح را می پذیرد و به عنوان داور بین دو طرف حضور می یابد، یک نیکوکار راستین است.

گاهی هم به دو قاضی و داور نیاز است ، دو نماینده عاقل و فهمیده و مجرب ، تا به حل مشکل بپردازند و صلح و صفا را دوباره برقرار کنند و ریشه کدورت و نزاع را بخشکانند.

قرآن کریم نیز به چنین حکمیتی رأی داده است تلاش از سوی این دو قاضی خانوادگی و اصلاح از سوی خدا. یعنی یک گام را اینان بر می دارند، گام دیگر را خداوند با نزدیک ساختن دلها به یکدیگر و ایجاد مودت بر می دارد. گر چه دو طرف ، راضی به حکمیت و داوری می شوند و گر چه دو داور، برای آشتی دادن تلاش می کنند، اما دلها در قبضه قدرت خداست و او الفت آفرین است و این تلاش را سبب حصول توافق و هماهنگی می سازد. در قرآن کریم می خوانیم :

و ان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من اهلہ و حکما من اهلہا ان یریدا اصلاحا یوفق اللہ بینہما... (۲۳)

اگر از نزاع و اختلاف میان آن دو (همسران) بیم داشتید که به جدایی بیانجامد، پس یک داور و حکم از سوی خانواده مرد و داوری هم از سوی خانواده زن انتخاب کنید و بفرستید، اگر آن دو در پی اصلاح و آشتی بودند، خداوند نیز میان آنان آشتی و توافق پدید می آورد.

مزایای داور خانوادگی

در این آیه چند نکته زیبا به چشم می خورد:

اول : اینکه داور، از خانواده باشد نه از بیرون و بیگانه ، تا اختلافات و اسرار خانوادگی به خارج درز نکند و آبرو ریزی نشود و نزاع داخلی آنان بر سر زبانها نیفتد. به علاوه ، اقوام نسبت به مسایل فیما بین آنها، آشناتر و به راه حل نیز وارد ترند.

دوم : آنکه واقعا دو طرف ، در صدد اصلاح و رفع مشکل باشند، نه در حالت لجاجت و تعصب و یکدندگی و خود محوری و خود خواهی ، که هر کدام بخواهد اثبات کند که حق با اوست و طرف مقابل اشتباه کرده یا گنهکار است و تقصیر اوست در این صورت هرگز تلاش مصلحان و داوران به نتیجه نخواهد رسید.

سوم : آنکه اراده اصلاح ، جدی باشد و طرفین به یک توافق و وحدت نظر برسند، یعنی بزرگترها و ریش سفیدها و داوران خیر خواه و صادق و امین ، حرفهای آنان را بشنوند و دیدگاههای موکل خود را به طرف مقابل برسانند و نتیجه این صحبتها آن باشد که خود زوجین ، مشکل را حل شده ببینند و اختلاف ریشه کن شده باشد، نه آنکه با سلام و صلوات و رو در بایستی قرار دادن آنها و ماخوذ به حیا شدن و شرم حضور، مساله به ظاهر حل شود، ولی ریشه اختلاف و غده کدورت همچنان باقی مانده باشد.

تا ریشه به جاست ، درد درمان نشود.

آشتی و صلح دلخواه و ارادی ، پایدار است ، و گرنه آشتی تحمیلی ، سرپوش گذاشتن بر شعله خلاف و اختلاف است ، که روزی از زیر خاکستر سر می کشد و بر افروخته می شود.

چنین داوری ، نباید مانند یک مداوای سطحی باشد و اصل غده باقی بماند و به تدریج رشد کند و یک بار دیگر به بهانه دیگر سرباز کند و صفای خانه را بر هم بریزد.

چهارم : علت اینکه قرآن ، توصیه به گزینش و داوری دو قاضی می کند، برای اطمینان هر چه بیشتر به این است که هیچ ستم و اجحاف و حق کشی یا یک سویه نگری در قضیه پیش نخواهد آمد. وقتی دو طرف ، از خود سلب اختیار کردند و کار را به دو داور مطمئن و منصف سپردند، روشن است که آنان به توافقی دست خواهند یافت و راه حلی ارائه خواهند کرد که به سود و صلاح هر دو جانب باشد.^(۲۴)

داوران خانوادگی ، هم مسؤ ولیت دارند، هم اختیار و قدرت تصمیم گیری و هم راء و داوری آنان برای دو طرف اختلاف خانوادگی الزام آور و لازم الاتباع است.

تعیین چنین داورانی ، برای جلوگیری از تفرق و از هم پاشیدن خانواده هاست وظیفه عموم مؤ منین ، فامیلها و وابستگان و حتی دستگاه قضایی و دادگستری آن است که تا می توانند با چاره اندیشی و تدبیر، مانع تفرقه ، جدایی و طلاق شوند و ایجاد آشتی و وفاق را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

طلاق هرگز!

بر خلاف آنچه در ابتدای بروز اختلاف و ناسازگاری به نظر می رسد، طلاق ، تنها راه حل نیست پیچیدگی بافت روابط خانوادگی و تاثیر و تاثرهایی که هر یک از پیوستن ها و گسستن ها بر افراد می گذارد و جدایی ، آثار سوء اخلاقی و اجتماعی و تربیتی و معاشرتی بر هر دو طرف و وابستگان و فرزندان می گذارد، سبب می شود که در بروز اختلافات ، طلاق را بدترین راه حل بدانیم

طلاق ، شاید آسانترین راه باشد، ولی هرگز بهترین و عاقلانه ترین راه حل برای ناسازگاریها نیست ، به خصوص اگر در شرایط عصبانیت و خشم به آن اقدام شود.

از این رو، طلاق ، از منفورترین حلال های الهی به شمار آمده است.

هر چند جایز است ، ولی بسیار ناپسند است.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیز، از آنچه خداوند متعال آنها را حلال قرار داده است ، نزد او از طلاق ، منفورتر و ناپسندیده تر نیست .:

ما من شی مما احله الله عزوجل ابغض الیه من الطلاق^(۲۵)

و در سخنی دیگر فرموده است : هیچ چیز نزد خداوند، مبغوض تر و نکوهیده تر از خانه ای نیست که در اسلام ، با جدایی (و طلاق) خراب شود.^(۲۶)

کودکانی که بی سرپرست ، یا محروم از محبت پدری یا مادری می مانند، از نظر تربیتی مشکل پیدا می کنند و از نظر عاطفی دچار کمبود می شوند.

اغلب نیز نا مادری نمی تواند خلا عاطفی فقدان مادر را در کودکان بی پناهی که سایه شوم طلاق بر سرشان افتاده است ، پر کند.

خود زن و شوهری هم که از هم جدا می شوند، اغلب گرفتار بحرانها و مشکلات عجیب و فراوانی می شوند که قبلا هرگز فکر آن را هم نمی کردند.

اینجاست که خراب شدن خانه در اثر جدایی (که در حدیث آمده است) مصداق پیدا می کند.

طلاق ، نوعی آوار است که بر سر افراد خانواده فرو می ریزد و بنیان خانواده را ویران می سازد. خانه خرابی در سایه طلاق ، یعنی این !

طلاق به خاطر ناسازگاری اخلاقی و عدم تفاهم ، یک مساله است ، طلاق از سر هوس و تمایلات نفسانی و تجربه کردن زندهای مختلف ، مساله ای دیگر که زشت تر و ضد اخلاقی تر است

رسول خداصلی الله علیه وآله به مردی گذر کرد و از او پرسید: زنت را چه کردی ؟

گفت : یا رسول الله ! طلاق دادم

فرمود: بی آنکه بدی و بد رفتاری داشته باشد؟

گفت : آری ، بدون بد رفتاری و بدی

سپس آن مرد، زن دیگری گرفت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را دید. پرسید:

چه کردی ؟ گفت : ازدواج کردم

سپس ، بعد از مدتی او را دید و پرسید: با زنت چه کردی ؟ گفت : طلاقش دادم

حضرت پرسید: بی آنکه بدی و اشکالی داشته باشد؟

گفت : آری

بار دیگر رسول خداصلی الله علیه وآله او را دید و او از ازدواجی دیگر و طلاقی دیگر خبر داد. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند، دشمن می دارد (یا لعنت می کند) هر زن یا مردی را که ذواق و چشنده باشد

ان الله عزوجل يبغض (او يلعن) كل ذواق من الرجال و كل ذواقه من النساء (۳۷).

یعنی ازدواج نه بر اساس بنیان نهادن یک قانون مستحکم و بی خلل ، و طلاق نه از سر ناسازگاری و عدم امکان ادامه زندگی مشترک و به عنوان آخرین راه حل ، بلکه بر اساس هوسرانی و تجربه کردن زندهای مختلف و شوهرهای متعدد.

این گونه نگاه به زندگی ، به بازیچه گرفتن زندگی است.

زندگیهای تلخ تر و شکننده تر پس از طلاق ، عبرت خوبی برای کسانی است که با بروز کوچکترین ناهماهنگی در زندگی ، پای طلاق را به میان می کشند.

باید تا می توان ، با حسن نیت و به کمک داور بی طرف و داوران خانوادگی - اختلافات را ریشه یابی و ریشه کن کرد، چرا سخن از طلاق و جدایی ؟

ابتدای آتش فساد، یا طلاق یک جرقه است

این جرقه ، رفته رفته شعله می شود

زین سبب ، باید از بروز این جرقه بیم داشت

ورنه ، شعله ساقه های خشک را

می کشد به کام خویش

می دهد به دست باد

می رود هر آنچه بوده هرگز این چنین مباد،

هرگز این چنین مباد!

می توان ، باز در کمین صبح روشنی نشست

می توان ستاره وار

روشنای شب شد و رهی به خانه ها گشود

می توان

ظلمت طلاق را از چهره حیات خویشتن زدود

می توان ،

خوب بود و خوب بود.

فصل چهارم

موازنه دخل
و خرج

خیمه عفا فی که به نام کانون خانواده ، با هزار رنج و امید و آرزو بر پا می شود، باید سر پا نگاه داشت و از وزیدن تند بادهایی که این خیمه را بر هم می زند جلوگیری کرد و اگر هم طوفانی وزیدن آغاز کرد، باید چنان با تدبیر و دور اندیشی و متانت عمل کرد که این خیمه از هم نگسلد و این کانون از هم نپاشد.

مسایل مالی و مادی و آنچه به درآمد و مصرف و هزینه و حقوق بر می گردد، می تواند یکی از موارد بحران زا و طوفان خیز باشد، که اندکی درباره آن بحث می شود.

مداخل و مخارج

برنامه ریزی اقتصادی و به تعبیر روایات اسلامی تقدیر المعیشه یکی از ارکان ثبات و پایداری بنیان خانواده است و بدون آن ، جای پای برای بروز اختلاف پیش خواهد آمد.

زن و شوهر (و به تبع ، فرزندان خانه) باید موازنه ای معقول و منطقی بین دخل و خرج ایجاد کنند و با پذیرش واقعیتها، مانع مساله ساز شدن توقعات فردی شوند.

اگر بر اساس توسعه طلبیهای برخی همسران یا مهار نکردن مخارج غیر ضروری ، این موازنه بر هم بخورد، یا اصلا در امر درآمد و مخارج ، حسابگری و انطباق و همسویی در کار نباشد، ناهنجاریهای رفتاری در خانواده پیش می آید.

بعضی ها با حقوق کارمندی ، پز مهندسی می دهند... و این نوع عدم موازنه در دخل و خرج است و برای جلب توجه دیگران یا خودنمایی ، بیش از توان مالی خرج می کنند و نتیجه اش پیدایش بحران در معیشت خانواده است

زنان خانه دار، مدیریت امور خانه را اگر بر محور قناعت و پرهیز از خرجهای غیر لازم و تشریفاتی و تجملاتی تنظیم نکنند و از شوهران خود، توقعات غیر منصفانه و بی جا و خارج از توان مالی و میزان درآمد داشته باشند، یا هزینه های غیر ضروری را بر آنان تحمیل کنند، باید منتظر بروز تنش باشند، چون یا همسرشان به خواسته های افزون طلبانه آنان وقعی نمی گذارد، که نتیجه اش بروز حرفها و مجادلات است ، یا از راهی (حلال و حرام و رشوه و سوء استفاده و ...) سعی در تامین خواسته های زن می کند، که نتیجه اش آلوده ساختن زندگی به حرام است

اساس خانواده و زندگی مشترک ، بر همکاری است اگر هر یک از زن و شوهر، طلبکارانه یا تحمیل گرانه با طرف مقابل برخورد کنند، آن تفاهم پدید نخواهد آمد.

سست شدن پایه های نهاد خانواده ، گاهی در اثر همین مسایل مادی و اقتصادی است و آغاز آن هم چه بسا از امور جزئی و بی اهمیت است و سر از بحران در می آورد.

بر اساس خرد یا هوس ؟

ثروت و امکانات ، برای تامین رفاه معیشتی و آرامش روحی و سکون خاطر است و نباید گذاشت به مایه تشنج و ماده اختلاف تبدیل شود.

به کار گیری عقل و تدبیر در تنظیم اقتصادی خانواده ، ایجاب می کند که از چشم و هم چشمی و رقابتهای کمر شکن یا حسادتهای خانمان برانداز، پرهیز کنند و اجازه ندهند هوس به جای عقل بنشیند و صفای زندگی را از میان بردارد.

((قناعت یکی از شیوه های خردمندانه در مصرف و خرج است به تعبیر حضرت علی علیه السلام : القناعة مال لا ینفد؛^(۲۸) قناعت ، ثروتی پایان ناپذیر است نقطه مقابل قناعت و میانه روی و اعتدال اقتصادی ، ولخرجی و اسراف است که هم ناسپاسی به نعمتهای خداست ، هم زمینه ساز بروز فقر و تنگدستی است و هم هدر دادن امکانات است که نابخردانه است خرجهای اسرافکارانه هرگز ستوده نیست و کسی که خردمند باشد، کس دیگر را بر ولخرجی نمی ستاید، بلکه ملامت هم می کند و اگر هم کسی در اثر اسراف و تبذیر و ریخت و پاش به فقر و افلاس کشیده شد، دل کسی بر او نمی سوزد و جای ترحم نیست ، چرا که هر چه کرده خود کرده است این مضمون کلام امیر المومنین علی علیه السلام است که فرموده است : اسرافکار را واگذار که نه بخشش او ستایش انگیز است ، نه تنگدستی اش ترحم انگیز.^(۲۹))

آنکه می خواهد داشته هایش را به رخ دیگران بکشد و در مقابل اقوام و دوستان و همکاران و همسایگان به ثروت و مکنّت خویش بنازد و ببالد و وسایل خانه و امکانات مالی خود را به عنوان نشانه های تشخیص جلوه دهد، هم غمی بر دل دیگران وارد می سازد، هم دور این گونه رقابتهای پایان ناپذیر را در زندگی خود و دیگران سرعت می بخشد و هیزم کش شعله های حرص و آز و افزون خواهی می گردد.

تجمل گرایی ، بیش از آنکه راحتی بیاورد، ناراحتی می آفریند و به جای آرامش ، زندگیها را دستخوش آشفتگیها و زلزله های ویرانگر می سازد. در ورای بسیاری از چهره های به ظاهر شاد و شنگول طبقات مرفه و تشریفاتی ، غمی سنگین و اضطرابی دایمی نهفته است

کیست که نداند درون این گونه خانواده ها که با هم به رقابت و چشم و هم چشمی پرداخته اند، چه مصیبتها و مشکلات و کدورتها و بعضیهایی پنهانند که گاهی هم سرباز کرده و به بیرون درز می کنند!...

نه اسراف ، نه بخل

مدیریت اقتصادی خانه ، نیازمند ایجاد توازن در دخل و خرج و به کار گیری عقل و مصلحت به جای هوس و اسراف و تبذیر است در این مساءله ، زن و مرد سهیم و شریکند، و باید برای رسیدن به سطح معتدل در معیشت ، همکاری داشته باشند و بکوشند، نگذارند مسایل مالی در زندگی مشترک ، عواطف انسانی و مهر و صفا را تحت الشعاع قرار دهند.

حرکت در مرز تعادل دشوار است مواظبت بر اینکه نه گرفتار بخل و امساک شود و نه در دامن اسراف و ولخرجی بیفتد، هوشیاری و منطق می طلبد. برخی به عنوان اینکه باید قناعت کرد و حسابگر بود، بر خانواده خود سخت می گیرند و گاهی حق آنان را هم تضییع می کنند. برخی هم به عنوان اینکه باید دست و دل باز و بخشنده و کریم بود، مال خود را هدر می دهند و ولخرجی می کنند.

بخشنده‌گی و سخاوت ، تا آنجا ارزشمند است که به اسراف و تبذیر کشیده نشود و قناعت و برنامه ریزی تا حدی پسندیده است که سر از بخل و آزمندی در نیاورد و شناخت مرز این دو، هم دشوار است ، هم ضروری ! حضرت امیرعلیه‌السلام در سخن حکیمانه‌ای به رعایت مرزی معتدل میان این افراط و آن تفریط دستور می دهد و می فرماید:

کن سمحا و لا تکن مبذرا، و کن مقدرا و لا تکن مقترا^(۳۰)

بخشنده باش ، ولی نه ولخرج و اسرافکار، و اندازه گیر باش ، ولی نه سختگیر و بخیل

آنان که در زیر خیمه مشترک خانواده زندگی می کنند، اگر عاقلانه و با تفاهم در این موضوعات به وحدت نظر و هماهنگی نرسند، پیوسته مسایل مالی ، مساله ساز خواهد شد و این خیمه فرو خواهد ریخت

آنچه در آغاز زندگی و تشکیل خانواده و در هنگامه خواستگاری و عقد و عروسی به نظر نا چیز و غیر مهم جلوه می کند، گاهی در آینده سبب بروز مشاجرات و اختلاف می شود. در گرما گرم اول ازدواج ، شاید هر دو طرف برای پا گرفتن یک وصلت ، چنین وانمود کنند که با هر شرطی موافقت و در هر شرایطی سازگارند و هر مهریه‌ای را می پذیرند. ولی در بستر زمان ، وقتی به نتوانستن برخورد کنند، ناسازگاری چهره زشت و ناهنجار خود را نشان می دهد، مگر آنکه زوجین بتوانند صفای زندگی را بر این گونه ناهنجاریها غلبه دهند.

در ایجاد تفاهم اقتصادی در زندگی مشترک ، دو جانب مؤثر است :

یک طرف قضیه به بانو مربوط می شود، طرف دیگر به آقا.

یکی باید قناعت به خرج دهد، یکی هم باید بر تلاش بیفزاید.

یکی باید کم توقع و صبور باشد، دیگری هم باید از بخل و سختگیری بی مورد و بیش از حد دست بردارد.

الفبای زندگی هزینه های لازم

گر چه تامین مخارج زندگی بر عهده مرد خانه است ، ولی زن نیز نباید خارج از وسع و توان مادی شوهر، توقع داشته باشد.

گر چه زن ، باید صبوری و تحمل و قناعت پیشه کند، ولی مرد هم باید در حد توان و وسع خویش ، بر زن و فرزندان خود وسعت و گشایش دهد و از آنچه خداوند روزی کرده است ، خرج کند. این همکاری ، به استحکام بنیان خانواده کمک می کند.

در حدیثی امام کاظم علیه‌السلام فرموده است :

یَنْبَغی لِلرَّجُلِ أَنْ یُوسِعَ عَلَی عِیَالِهِ کَی لَا یَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ (۳۱):

سزاوار است که مرد، بر خانواده خود گشایش و وسعت دهد، تا اهل خانه آرزوی مرگ او را نداشته باشند.

و این سخن، شوخی نیست نمونه های واقعی آن را در جامعه خودمان فراوان می توان یافت خرج کردن برای خانواده و رفع نیازهای آنان، تاکید و سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

ابدا بمن تعول (۳۲) از خانواده و افراد تحت تکفل خود آغاز کن

اگر مرد، در حدی که وظیفه اوست و در توان او می گنجد، به تامین نیازهای همسر و فرزندانش نپردازد، هم از چشمها می افتد، هم آنان عقده ای می شوند، هم حقشان زیر پا گذاشته می شود، هم در پی فسحت و گشایش و وسعت در دوره پس از او چشم به آینده می دوزند و از روزنه مرگ پدر یا همسر، به آن آینده دلپذیر و راحت و پر نعمت می نگرند.

اگر مرد آنچه را که حق خانواده است، تهیه کرد، منت هم نباید بگذارد.

منت نهادن بر خرج کردنها، هم شیرینی آن خرج و هزینه را به زهر تبدیل می کند، هم اجر و ثواب آن را از بین می برد. قرآن کریم دستور می دهد: صدقات خودتان را با منت نهادن و آزار دادن، باطل نکنید. (۳۳) اگر زن و مرد، وظیفه خود را بشناسد و به آن عمل کنند، زمینه ای برای بسیاری از مشکلات خانوادگی پیدا نخواهد شد.

پس هم باید به تعادل اقتصادی اندیشید، هم از ریخت و پاشهای غیر ضروری در مخارج و مصارف پرهیز کرد، هم سختگیری های بی جا و آزار دهنده را کنار گذاشت، هم با تفاهم و تبادل نظر به برنامه ریزی درست و قوام بخش زندگی پرداخت، هم معیار خرد و منطق را به کار گرفت نه هوسها و تجمل گراییهای مشکل آفرین و چشم و هم چشمیهای حسودانه را، هم نیازهای واقعی را از نیازهای کاذب باز شناخت، هم بر سختیها و ناداریها و کمبودها تحمل داشت، هم صفای خانه و خانواده را با مطرح ساختن نزاعهای مالی و پولی بر هم نزد، هم سطح زندگی را بر مبنای سطح در آمد تنظیم کرد و استوار ساخت، هم از درون خانواده های گرفتار تشریفات که بسیار تلخ و رنج آور است عبرت گرفت، هم خواسته های خود را بر طرف مقابل تحمیل نکرد، هم قناعت را به عنوان یک سرمایه معنوی پاس داشت، که گفته اند: چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن

اینهاست پایه های قوام و استحکام خیمه عفاف و بنیان خانواده

فصل پنجم

حقوق و وظایف دو جانبه

از جایگاه والای نهاد خانواده و اهمیت ازدواج و پذیرفتن مسؤولیت سخن گفتیم سلامت خانواده از آتش اختلاف و نزاع ، محور دیگر بحث بود که به آن پرداختیم و برای حل اختلافات خانوادگی از داور خانوادگی بهره گرفتیم چون مسایل مالی و اقتصادی خانواده می توانست مایه بروز تشنج در رفتار زوجین شود، در بحث موازنه دخل و خرج به برنامه ریزی درست در این مقوله اشاره کردیم اینک ماییم و شناخت وظایف دو جانبه و حقوق طرفین و تقسیم کار، که می تواند تعادلی در نظام خانواده پدید آورد.

شناخت حقوق

در بسیاری مواقع ، شناختن حق و وظیفه ، ریشه عدم انجام وظیفه است و این تقصیر به آن جهل باز می گردد و اگر آگاهی از وظیفه وجود داشته باشد، تا حدی جلوی کوتاهیها و تخلفات گرفته می شود. پس در یک مجموعه - که از احاد تشکیل می شود و هر کدام از افراد، وظایفی بر دوش دارند، - گام نخست آن است که وظیفه را بشناسند، سپس به آن عمل کنند. بروز اختلال در امور، گاهی ریشه در مشخص نبودن حد و حریم تکالیف و وظایف اشخاص و هر کس کار را به دیگری محول می کند، یا انتظار انجام کارهایی را از دیگران دارد که شرعا و قانونا بر عهده آنان نیست و توقع اینان نابه جا و غیر منطقی است اگر در جامعه ای هم بخواهد حق عمل و اجرا شود و تیغ عدالت ، تخطی کنندگان از آن را ادب کند، لازم است اشخاص ، هم حق را بشناسند و هم محدوده وظایف خویش را در قبال آن

وظایف دو جانبه

در یک خانواده ، دو طرفی که زندگی مشترک دارند، حقوق متقابل نیز دارند. وقتی زن و شوهر، همچنین اولیا و فرزندان هر کدام وظیفه ای نسبت به طرف مقابل دارند، اگر آن را بشناسند و به آن عمل کنند، علی القاعده نباید در خانه مشکل و اختلافی پدید آید.

در سامان یافتن مساله حقوق و وظایف در خانواده سه مرحله وجود دارد:

اول : شناخت این حقوق و وظایف

دوم : عمل به آن وظیفه و تکلیف

مراعات دو جانبه این حقوق

اگر این سه با هم در رفتار و معاشرت خانوادگی وجود داشته باشد، کار به بروز مشاجره و دعوا و شکایت و دادگاه و زندان و جدایی و... کشیده نمی شود و محلی برای نزاع نخواهد بود.

باید هم زن در برابر شوهرش مطیع ، صبور، متحمل ، قدردان و وفادار باشد، هم شوهر نسبت به همسرش بردبار، نیکوکار، قدر شناس ، احترام گذار و تامین کننده نیازهای معیشتی و آسایش باشد.

اگر صبوری و قناعت و پرهیز از پرخاش و بددهنی و بی احترامی خوب است ، باید از هر دو سو باشد، نه آنکه یکی به خود حق بدهد هر چه خواست بگوید و هر چه خواست انجام دهد، ولی از طرف مقابل انتظار داشته باشد که جز تسلیم و سکوت و تحمل و ادب ، برخوردی نداشته باشد و در مقابل هتاکیها و بی حرمتیهای او حتی پاسخی معمولی هم ندهد! نکته مهم ، پذیرش در سویه این حقوق و مراعات آنها از دو طرف است این حقوق ، در کتابهای تربیتی و اخلاقی و حدیثی فراوان و متعدد است در احادیث آمده است که : زن از شوهر خویش ، فرمانبرداری داشته باشد، بی رضایت او کاری نکند و جایی نرود، نسبت به او حالت تمکین داشته باشد، شوهر را نیازارد، او را اندوهگین نسازد، در خانه خدمت کند، شوهر داری نماید، رضایت او را از هر جهت جلب کند، چراغ روشن کند، غذا بپزد، خانه را مرتب کند، وقتی شوهر می آید از او استقبال کند و آنگاه که از خانه بیرون می رود بدرقه اش کند، خود را برای غیر شوهرش نیاراید، بی اجازه و رضایت او در اموالش دخل و تصرف نکند و...^(۳۴) از سوی دیگر بر عهده مرد است که لوازم زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن را تهیه کند، در حد توان بر خانواده اش وسعت و گشایش دهد، احترام زن را نگه دارد و از آزار و ضرب و شتم او بپرهیزد، خود را برای همسرش آراسته و مرتب سازد، بخشی از وقت خود را صرف رسیدگی به کارهای خانه و انس با خانواده کند، با مدارا و خوش زبانی برخورد کند و... طبیعی است که اگر زن و شوهر، هر دو به این وظایف عمل کنند، خانه و خانواده ای خواهند داشت با صفا، آرام ، گرم و با محبت که زمینه رشد اخلاقی و تعالی فرهنگی خود و فرزندانشان نیز فراهم خواهد بود.

رسول خداصلی الله علیه و آله فرمود: **خیرکم ، خیرکم لاهله و انا خیرکم لاهلی**^(۳۵)؛ بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده اش بهتر باشد و من بهترین شمایم نسبت به خانواده ام.

از سوی دیگر آن حضرت فرموده است: **لا تودی المرأة حق الله عزوجل حتی تودی حق زوجها**^(۳۶)؛ زن هرگز حق خدا را ادا نمی کند مگر آنکه حق همسرش را ادا کرده باشد. یعنی حق گزاری نسبت به خداوند نیز وابسته به رعایت حقوق شوهر است و اگر در این زمینه قصور و خلاف باشد، نمازها و عبادتها و حقوق الهی هم چندان ارزش و اعتباری ندارد.

اگر در روایات است که : زن ، محبت خویش را نسبت به شوهر ابراز کند و خویش را برای او بیاراید و سخنان دلپسند بگوید تا در چشم و دل شوهرش جای بگیرد، این را هم گفته اند که شوهر، در بیرون از خانه حریم نگاهها و ارتباطهایش را نگه دارد و به نوامیس دیگران چشم ندوزد و چون از سفر باز می گردد برای همسرش سوغاتی بیاورد و هدیه بدهد و نیازهای عاطفی و جنسی او را بر آورد و...

اگر همسران پیامبر خداصلی الله علیه و آله به سفارش قرآن کریم ، به زندگی با قناعت و زاهدانه آن حضرت می ساختند، آن حضرت نیز در کارهای خانه کمک می کرد، از هر چه می خوردند می خورد و هرگز از هیچ غذایی بد نمی گفت این است مفهوم عدل و انصاف در زندگی مشترک و خانوادگی مراعات دو جانبه نسبت به حقوق متقابل زن و شوهر، رمز دوام و استحکام بنیان خانواده و تقویت انس و الفت در میان همسران است

تقسیم کار

از نمونه های بارز مراعات حقوق طرفین ، تقسیم کارهای خانه و زندگی میان زن و شوهر است. وقتی بار سنگین خانواده بر دوش دو انسانی است که با هم زندگی مشترک دارند، چاره ای جز تقسیم این بار و کار نیست ، تانه کاری بر زمین بماند و نه بارها بر دوش یکی سنگینی کند.

اساس حرمت گزاری به حقوق انسان ، شناخت و مراعات حقوق و وظایف است ، نه صرفا شعار به سود حقوق بشر! همین که اسلام برای زن ، حق مالکیت و استقلال اقتصادی و انتخاب و... قرار داده است ، نشانه حرمت نهادن به اوست اینکه شوهر در مقابل همسرش وظایف و تعهداتی دارد، نشانه دیگری از این حق و احترام است خانواده ای که بر شالوده محبت استوار شده باشد، هر یک از زن و شوهر، بیش از آنچه که وظیفه شان است ، کار و تلاش می کنند، آن هم عاشقانه و از روی مهر و احساس رضایت و خرسندی

در حالات و سیره رسول خداصلی الله علیه وآله نقل شده است که آن حضرت حتی در کارهای خانه ، به همسرانش کمک می کرد: **و یخدم فی مهنه اهلہ** ^(۳۷) که این بالاتر از تقسیم کار است

وقتی به داوری حضرت رسول صلی الله علیه وآله ، کارهای بیرون خانه و درون خانه ، در زندگی مشترک میان حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام ، تقسیم شد، دختر بزرگوار پیامبرصلی الله علیه وآله از این تقسیم کار بسیار خردسند گردید. به خصوص که می دید با تخصیص کارهای داخل خانه به وی ، از برخورد با مردان و نامحرمات در بیرون از خانه و هم صحبت شدن با آنان دور می ماند و این برای حیا و عفاف زن مناسب تر است ^(۳۸) آنچه مانع بروز تشنج و تنش در رفتار همسران است ، وجود حد و حریم برای کارها و وظایف هر یک و انتظار و توقع از یکدیگر در محدوده همان حد و حریم و مراعات آن حدود و حقوق است.

بار کارها را باید هر دو به دوش بکشند. کارهای سنگین و خستگی آور و گوناگون خانه ، اگر به دوش یکی بیفتد و دیگری بی خیال و راحت طلبانه و آسوده خاطر به خواب و تفریح و استراحت و مسافرتها خود برسد و غم خانه و فکر مشکلات را نداشته باشد، ظلمی در حق دیگری است ، چه زن باشد، چه شوهر. البته در این گونه موارد، این زنان هستند که مظلوم خانواده می شوند و حقشان تباه می گردد.

این سخن زیبای پیامبرصلی الله علیه وآله که **من بهترین شما نسبت به همسران خودم هستم** اگر جلوه های متعددی داشته باشد، یکی هم رافت و عطوفت و کمک و تفقد و حق گزاری و قدرشناسی نسبت به زنان است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله هم عملا چنان بوده ، هم به چنین رفتار متعالی و بزرگوارانه ای سفارش می فرمود و از ستم و اجحاف در حق زنان نهی می کرد.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: **ملعون ملعون من ضیع من یعول**؛ ^(۳۹)

ملعون است ، ملعون است کسی که فرد مورد تکفل خویش را تباه سازد.

تباه ساختن حق افراد زیر دست و تحت تکفل ، که همسر هم یکی از آنان است ، موجب استحقاق لعنت الهی می شود.

تقسیم کار و مسؤولیتها نیز باید با مراعات توان جسمی و ظرفیت وجودی و طاقت فردی باشد و از تحمیل تکلیفی فوق طاعت بر هر یک از آن دو پرهیز شود.

پایان این بخش را حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سخنی از امام صادق علیه السلام قرار می دهیم.

مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و در ستایش از اخلاق همسر خود چنین گفت : من زنی دارم که هرگاه وارد خانه می شوم از من استقبال می کند و به پیشوازم می آید و هرگاه که از خانه بیرون می روم ، مرا بدرقه و مشایعت می کند. هر گاه مرا اندوهگین و ناراحت می بیند، از علت غم و اندوهم می پرسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **این زن را به بهشت بشارت بده و به او بگو که تو یکی از کارکنان و کارگزاران خدا هستی و برای هر روز تو، اجر و پاداش هفتاد شهید است** (۴۰)

در سخنی ارزشمند، امام صادق علیه السلام فرموده است :

مرد در زندگی با همسر خود، بی نیاز از سه چیز نیست :

۱- همراهی و هماهنگی با او، تا به این وسیله ، موافقت و محبت و دوستی او را جلب کند.

۲- رفتار نیک و حسن خلق با همسر و به دست آوردن دل او و با آراستگی و حسن ظاهر و جلوه زیبا در چشم او.

۳- توسعه و گشایش در مسایل معیشتی

زن نیز در زندگی با شوهرش بی نیاز از سه چیز نیست ، تا توافق کامل با او پدید آید:

۱- نگهداشتن خود از هر گونه آلودگی و ناپاکی ، تا بدترین وسیله دل شوهر به او اطمینان پیدا کند و در حالات خوشایند و ناپسند و خوب و بد، اطمینانش محفوظ بماند.

۲- نگهداری شایسته از شوهر و مراقبت از او، تا عواطف او را نسبت به خویش جلب کند و هنگام لغزش از سوی خود، آن عاطفه او را کمک کند.

۳- اظهار عشق و محبت به شوهر و خویش را آراستن و به هیئتی زیبا در آمدن تا در چشم شوهر، زیبا جلوه کند و محبت افزون گردد. (۴۱)

رعایت این نکات ، از نظر عاطفی و تحولات روحی در خانواده ، شرایط مناسب تری را برای برپایی خیمه عفاف پدید می آورد و ضامن استحکام بنیان خانواده در سایه تعالیم مکتبی است.

-
- پی نوشت ها : ۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۳.
- ۲- همان ، ص ۵.
- ۳- نباء، آیه ۸.
- ۴- روم ، آیه ۲۱.
- ۵- بحار الانوار، ج ۱۰۰ ، (ص) ۲۱۹.
- ۶- نور، آیه ۳۲.
- ۷- وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۲۴.
- ۸- همان
- ۹- نور، آیه ۲۶.
- ۱۰- ر. ک: بقره ، آیه ۲۲۱.
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰ ، ص ۳۷۲
- ۱۲- همان ، ص ۳۷۳.
- ۱۳- همان ، ص ۲۳۲.
- ۱۴- وسائل الشیعه ، ج ۱۴ ، ص ۲۲.
- ۱۵- همان ، ص ۲۳.
- ۱۶- همان ، ص ۲۳.
- ۱۷- گلستان سعدی ، باب هشتم
- ۱۸- تحریم ، آیه ۶.
- ۱۹- بحار الانوار، ج ۷۲ ، ص ۹۱.
- ۲۰- همان ، ج ۱۰۰ ، ص ۲۴۹.
- ۲۱- انفال ، آیه ۳؛ نساء، آیه ۸۵ و ۱۱۵؛ حجرات ، آیه ۱۰؛ بقره ، آیه ۲۴۴.
- ۲۲- اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۲۰۹.
- ۲۳- نساء، آیه ۳۵.
- ۲۴- این نکته در المیزان ، ج ۴ ، ص ۳۶۸ آمده است
- ۲۵- فروغ کافی ، ج ۶ ، ص ۵۴.
- ۲۶- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۶۶.
- ۲۷- میزان الحکمه ، ج ۵ ، ص ۵۴۷ ، (به نقل از فروع کافی ، ج ۶ ، ص ۵۴).
- ۲۸- نهج البلاغه ، فیض السلام ، حکمت ۵۴.
- ۲۹- غرر الحکم ، (چاپ دانشگاه)، ج ۷ ، ص ۱۶۰.
- ۳۰- نهج البلاغه ، حکمت ۳۲.
- ۳۱- من لا یحضره الفقیه ، ج ۲ ، ص ۶۸.
- ۳۲- وسائل الشیعه ، ج ۶ ، ص ۳۲۳.
- ۳۳- تبطلوا صدقاتکم بالمن و الادی (بقره ، آیه ۲۴۶).

۳۴- احادیث مربوط به این موضوع را در وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۱۱، به بعد ملاحظه کنید.

۳۵- وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

۳۶- نظام خانواده در اسلام ، ص ۳۷۷ (نقل از وسائل الشیعه).

۳۷- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۷.

۳۸- وسائل الشیعه ، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۳۹- همان، ص ۱۲۲.

۴۰- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

۴۱- میزان الحکمه ، ج ۴، ص ۲۸۴.